

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۴/۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۱۲

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۰

شناسایی عوامل مؤثر بر استقرار حکومت مهدوی بر اساس رویکرد استراتژیک

لطف الله فروزنده*، اکبر بهمنی**

مهدی صفیان***، محمدهاشم امیری****

چکیده

تحقیق حاضر دیدگاه‌های مختلف در مورد مهدویت و آینده تاریخ را بررسی می‌کند و شناسایی شاخص‌ها و الگوهای حکومت مهدوی، هدف اصلی آن است. از طریق شناسایی و الگوبرداری از حکومت مهدوی، آن را به داخل سازمان‌ها می‌توان گسترش داد و استراتژی‌های تحقق شاخص‌های این حکومت را در سازمان‌های موجود در جامعه اجرا نمود. کارشناسان و پژوهش‌گران سازمان تبلیغات اسلامی و سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی قم، جامعه آماری این تحقیق هستند. تعداد نمونه آماری ۹۵ نفر است. داده‌ها ابزار اصلی جمع‌آوری به شمار می‌آید. پایایی پرسش‌نامه از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شد که حاکی از پایایی مناسب پرسش‌نامه بود. روایی پرسش‌نامه از طریق روایی محتوا تأیید گردید. برای تحلیل اطلاعات از

* استادیار و عضو هیئت علمی گروه مدیریت دانشگاه پیام‌نور.

** نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه پیام‌نور. (bahmani.akbar@gmail.com)

*** دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه تهران - پردیس قم.

**** کارشناس ارشد مدیریت دولتی دانشگاه پیام‌نور.

نرم افزار آماری SPSS استفاده شد. در نهایت هیجده شاخص به عنوان شاخص های اصلی استقرار حکومت مهدوی شناسایی و رتبه بندی شدند و در نهایت، استراتژی ها و پیشنهادهایی در جهت ایجاد حکومت مهدوی عرضه گردید.

واژگان کلیدی

مهدویت، حکومت مهدوی، استراتژی.

مقدمه

غایت شناسی و فرجام تاریخ بشری، یکی از حوزه های پژوهش است که مکاتب و اندیشه وران در مورد آن به بحث و بررسی پرداخته اند. این بحث در حوزه های مطالعاتی مختلف قابل طرح است؛ از منظر فلسفه تاریخ، با موضوع فرجام تاریخ و غایت زندگی بشری گره می خورد و از منظر جامعه شناسی و سیاست شناسی، با مسئله تکامل گرایی و ضد تکامل مربوط می شود. از دیرباز دو تفکر در مباحث سیاسی و اجتماعی در مقابل هم مطرح بوده است: تکامل گرایان و ضد تکامل گرایان. در دیدگاه نخست، تاریخ بشری به سوی کمال، توسعه و ترقی در حرکت است؛ در حالی که از دیدگاه دوم، غایت و فرجام تاریخ با انحطاط و زوال تحلیل می شود. مکتب ترقی گرایی، دارای نگرش مثبت و خوش بینانه به فلسفه تاریخ و فرجام تاریخ بشری است؛ در حالی که نظریه ضد ترقی گرایی، نگرشی کاملاً منفی و بدبینانه دارد که غایت تاریخ را با انحطاط و زوال تحلیل می کند. پرسش ما این است که آینده بشر چگونه وصف می شود؟

تشکیل حکومت واحد جهانی، ایده ای است که در هر دین و مکتبی به آن نظر و توجه دارند. در اسلام آیات و روایات روشن گر و نوید بخش ظهور منجی آخر الزمان، نشان می دهد که مأموریت الهی آن حضرت، بسیار سترگ و دارای ابعادی مختلف و اهدافی بسیار بالاست و این موضوع، امری است گسترده که زندگی بشر را در زمین دگرگون می سازد و فصل جدیدی را به تمام معنا به روی او می گشاید.

افزون بر ادیان توحیدی، در مکاتب و الگوهای جدید و معاصر غربی که عمدتاً به نظام سرمایه داری متکی است، به موضوع حکومت کلی و جهان شمول نیز توجه شده و ایده های زیادی را در قالب های گوناگون شکل داده است. هر الگویی با در نظر گرفتن عنصر و خصوصیتی از بشر و تمرکز روی آن، سعی کرده تا الگوهای حکومت جهانی مورد نظر خود را بر اساس آن عرضه نماید و الگوی جدید حکومتی را که به قول خودش سعادت بشر را به همراه



دارد، به جامعه بشری تزریق کند. اسلام و به ویژه شیعه، همیشه در مقابل این الگوها واکنش نشان داده و به هر شکل ممکن، ابطال یا ناقص بودن آن را بیان نموده است. این تحقیق، درصدد پاسخ به سؤالاتی از این قبیل است: شاخص‌های استقرار حکومت مهدوی در جامعه امروزی ما کدامند؟ شرایط لازم برای تحقق این حکومت دینی از حیث مدیریتی چیست؟

بیان مسئله و اهمیت تحقیق

بشر همواره در مورد آینده خویش و حوادث آتی کنجکاو بوده است. سیر تحولات این علاقه، از ابتدای تاریخ - که آینده‌نگری، بیش‌تر در قالب پیش‌گویی‌های طالع‌بینان و افراد خاص صورت می‌گرفت - تا کنون - که تلاش می‌شود آینده‌نگری در چارچوب اصول و روش‌های علمی قوام یابد - قابل بررسی است. در سال‌های اخیر، جهان ظهور موجی فزاینده از توجه به پیش‌گویی‌های *کتاب مقدس* درباره پایان جهان را شاهد بوده است. در نشریات غربی و پایگاه‌های اینترنتی، مقالات فراوانی منتشر گردیده که در آن‌ها پیش‌گویی‌های مذکور، با رویدادهای عصر حاضر تطبیق داده شده و از حوادث مختلف سال‌های اخیر به عنوان نشانه‌های پایان دنیا یاد می‌شود.

مقام معظم رهبری در سخنان مهم خود در مورد علوم انسانی موجود، اعلام خطر نموده و با اشاره به تحصیل حدود دو میلیون دانشجو از سه میلیون و نیم دانشجوی کشور در رشته‌های علوم انسانی، چنین تأکید فرمود:

این مسئله نگران‌کننده است؛ زیرا توانایی مراکز علمی و دانشگاه‌ها در زمینه کار بومی و تحقیقات اسلامی در علوم انسانی و همچنین تعداد اساتید می‌رز و معتقد به جهان‌بینی اسلامی رشته‌های علوم انسانی در حد این تعداد دانشجو نیست. علی‌رغم اهمیت و تأثیر گسترده علوم انسانی بر ساحت‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی، وضعیت گذشته و حال این علوم در ایران بسیار ناگوار است. این علوم از طریق ترجمه متون غربی و به شکل کاملاً وارداتی وارد کشور شده است و از آن‌جا که واردکنندگان آن‌ها، از علوم و اندیشه‌های اسلامی بی‌بهره یا کم‌بهره بوده‌اند، آن‌چه را در متون غربی بوده کاملاً پذیرفته‌اند و به شکل‌های مختلف وارد کشور کرده‌اند. بدیهی است که نتیجه این علوم، بی‌اعتقادی یا سستی در باورهای دینی می‌باشد؛ چون اساساً بر مبانی مادی‌گرایی و تجربه‌گرایی پوزیتیویستی استوار می‌باشند (دیدار با جمعی از اساتید، اعضای هیئت علمی و رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۸۸/۶/۸).

مقام معظم رهبری این موضوع مهم را در چند سال اخیر دائماً تذکر داده است. ایشان در سال ۸۴ در دیدار با اعضای محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌فرماید:

با این همه تأکیدی که بر علوم انسانی شده، تقریباً علوم انسانی هم به همان شکل علوم پایه اداره می‌شود و باز همچنان همان اشکال به قوت خودش باقی است. ما آغوش مان را باز کرده‌ایم و حرف‌هایی که الان در زمینه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تاریخ و حتی فلسفه و ادبیات مطرح است، از خارج برای ما دیکته می‌شود (دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴/۱۰/۱۳).

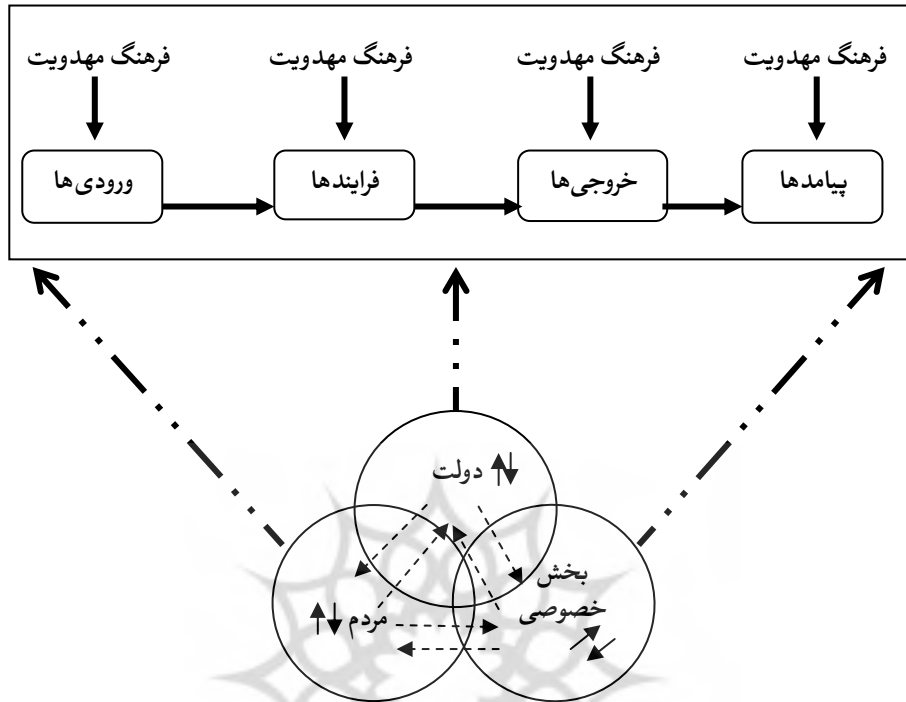
امروزه اینترنت، دسترسی سریع و تقریباً آسان به موضوعات مختلف را ممکن نموده است. اگر فردی با موضوعاتی چون پایان جهان، آخرالزمان، رجعت یا موعود و منجی در اینترنت جست‌وجو کند، با انبوهی از اطلاعات، سایت‌ها و مطالب متعدد مواجه خواهد شد. گسترش این شبکه و تأکید آن بر تمامی موضوعات و در تمامی شاخه‌های علمی، اعتقادی، سیاسی و اجتماعی، باعث شده است بررسی و شناخت ابعاد مختلف یک رویداد، اندیشه و یا رخداد، سهل و ممتنع باشد. سهل از جهت گسترش و به‌روز بودن داده‌ها و ممتنع از بابت پیچیدگی و اسرار ناگفته‌ی اطلاعات. متأسفانه از نظر این نوشتار، ساده‌انگاری و ساده‌اندیشی فرایند مذکور و بالتبع کاهش روحیه خودباوری علمی، از آفات جامعه علمی کشور به‌ویژه در حوزه علوم انسانی است.

در حوزه مدیریت استراتژیک و تصمیم‌گیری‌های کلان استراتژیک کشور، مطالعات متعددی انجام شده است که اکثر آن‌ها جالب توجه هستند؛ ولی از مبنا و اصول حاکم بر روش‌شناسی و مکانیسم‌های مطرح‌شده در ادبیات مدیریت غفلت شده است. با توجه به حساسیت بحث‌های استراتژیک و تصمیمات کلان برای کشور و ضرورت یافتن مدلی بومی، کاربردی و مبتنی بر اعتقادات اسلامی و دینی، باید راهکارهای دیگری را جست‌وجو و پیشنهاد کرد.

با مطالعه و ارجاع به متون اسلامی موجود مانند قرآن کریم، سیره نبوی، احادیث و روایات امامان، به حقیقتی واحد در مورد آینده بشر و پایان تاریخ می‌توان رسید؛ ولی با توجه به اعتقادات، باورها و آداب و رسوم حاکم بر کشورمان، نیازمند آن هستیم که در ترسیم چشم‌انداز برای کشور، فرایند مدیریت و تصمیم‌گیرهای کلان و استراتژیک در سطح ملی و به تبع آن ترسیم چشم‌انداز در سازمان‌های کشور اعم از دولتی و خصوصی و غیرانتفاعی، به آن حقیقت واحد توجه نمود که در دستورهای اسلامی آمده است. اگر کشور را به صورت عام و سازمان را به صورت خاص به شکل یک سیستم در نظر بگیریم، فرهنگ و دکترین مهدویت در تمامی



قسمت‌های سیستم که به صورت ورودی، فرایند و خروجی است، تأثیرگذار خواهد بود.



روابط درونی در درون زیرسیستم دولت - مردم - بخش خصوصی

روابط بین سه زیرسیستم

در این شکل، جامعه به سه بخش یا زیرسیستم دولت، بخش خصوصی و مردم یا همان جامعه مدنی، تقسیم شده است. همان‌گونه که در شکل دیده می‌شود، هر نوع فعالیتی در درون نظام جامعه به مثابه سیستم است که تمام بخش‌های سیستم باید تحت تأثیر فرهنگ مهدویت باشد تا بتوان تفکر مهدویت در اسلام را در جامعه در تمام سطح و واحدها اجرا نمود. حال باید بررسی شود که شاخص‌ها و ویژگی‌های حکومت مهدوی چیست؟ شرایط و زمینه‌های ایجاد و اجرایی کردن تفکر حکومت مهدوی چیست؟ موانع مدیریتی بر سر راه تحقق حکومت مهدوی در سازمان‌های موجود در جامعه چیست؟

به‌طور کلی و خلاصه، ضرورت انجام دادن تحقیق را می‌توان به کشف و اجرایی کردن الگوی بومی و اسلامی در کشور و به‌طور خاص در سازمان‌های موجود در جامعه نسبت داد تا بتوان به هدف غایی دین اسلام نایل شد؛ دینی که زیربنای همه تفکرات و باورهای حاکم بر

جامعه اسلامی ایران، یعنی همان فرهنگ و حکومت مهدوی است.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

انسان از دیرباز، به دنبال ترسیم آینده خود بوده و آینده‌نگری، قدمتی همسان قدمت انسان دارد. مطالعه در سیر تمدن بشری، نشان می‌دهد که آینده‌نگری در ابتدا توسط انبیای الهی با تأکید بر معارف و آموزه‌های دینی از یک سو و عامه مردم از سوی دیگر انجام شده است (گودرزی، ۱۳۸۶: ۱۸۰).

بسیاری از افراد، دین را منبع عظیم آینده‌نگری می‌دانند و به این معنا قائل هستند که چون ماهیت آینده‌نگری، حدس در مورد آینده است، لذا هیچ کس نسبت به آن از مبدع خلق - یعنی پروردگار - محق تر و سزاوارتر نیست. پس دین، منبع اصلی آینده‌نگری محسوب شده است. اما در مقابل می‌توان گفت: چون آینده‌نگری را مملو یا متهم به خطا می‌دانند، از این رو، هرگونه ارتباط دین و آینده‌نگری را مردود می‌شمارند و دامان دین را از اوهام و خطا منزه می‌دانند. از طرف دیگر، چون آینده‌نگری یعنی حرف زدن بدون تصمیم و اراده قاطع (اصل عدم قطعیت)، پس ناگزیر بحث در مورد آینده دارای تردید است، حال آن‌که دین تردیدبردار نیست.

اما در حقیقت، بین آینده‌نگری و دین کاملاً ارتباط وجود دارد؛ زیرا دین و خاصه قرآن کریم و کلام گوهر بار معصومان علیهم‌السلام مملو از آینده‌نگری هاست. مگر قرآن کریم، آینده زمین را برای مستضعفان نمی‌داند؟ مگر بخشی از روایات موجود در منابع اسلامی، دارای شواهد روشنی از آینده‌نگری نیستند؟ پس مشخص است که اشتباه در پاسخ به سؤال مطرح شده، از همان خلط واژگان ناشی می‌گردد. البته باید توجه داشت که مراد از دین در این جا، ادیان الهی است و نه دین به معنای مطلق آن (اکرمی، ۱۳۷۶: ۷۸). با این توضیح، مهم‌ترین تفاوت‌های آینده‌نگری بشری و الهی را در موارد ذیل می‌توان خلاصه نمود:

الف) تفاوت روش‌شناسی

آینده‌نگری الهی از نظر روش‌شناسی، با آینده‌نگری بشری متفاوت است. در آینده‌نگری الهی، روش‌شناسی متداول علمی مبتنی بر فرضیه‌سازی، جمع‌آوری اطلاعات و نظایر آن‌ها به طور کامل رعایت نمی‌شود و بسیاری از مسائل همچون ابطال‌پذیری و ... در فضای متفاوتی مطرح می‌گردد. روش‌شناسی در این حوزه، بر معرفت الهی و علمی خاص مبتنی است که در حوزه دین، نزد معصومان علیهم‌السلام و به اذن خداوند انجام می‌شود، نه از سنخ تجربه‌گرایی



یا عقل‌گرایی.

ب) تفاوت در آینده‌نگر

در آینده‌نگری الهی، آینده‌نگر یا خداوند است، مانند آینده‌نگری‌های قرآن کریم، یا منتسب به خداوند است، مانند پیامبران، امامان و مردان الهی؛ در حالی که در آینده‌نگری بشری، انسان بدون اتصال به منبع عظیم وحی، صرفاً بر مبنای حدس، مطالعه و ... آینده‌نگری می‌کند.

ج) تفاوت در اهداف

هدف آینده‌نگری الهی با آینده‌نگری بشری بسیار تفاوت دارد. مهم‌ترین هدف آینده‌نگری الهی، تذکر به افراد، هدایت آن‌ها، معجزات و موارد مشابه است. مهم‌ترین اهداف آینده‌نگری بشری، با اهدافی همچون رشد علمی، رشد توان اقتصادی و تولیدی، انتفاع مادی و استیلای فرهنگی صورت می‌گیرد.

د) تفاوت در روش‌ها

تصویرپردازی مهم‌ترین روش به کار گرفته شده در آینده‌نگری الهی است، مانند موارد بسیاری که در قرآن کریم در مورد آینده بشر گفته شده است.

ه) تفاوت در منابع

آینده‌نگری در بستر بشری، عمدتاً با به‌کارگیری داده‌های کمی یا نظریات موجود صورت می‌گیرد، در حالی که آینده‌نگری الهی، بر مبنای به‌کارگیری علم الهی، سنن الهی و تجارب تاریخی است. (غفرانی و تقوی گیلانی، ۱۳۷۹: ۴۵ - ۴۶)

در بستر الهی، آینده‌نگری و فرجام‌شناسی در باطن و ظاهر جهان، هدفمند و دارای سرنوشتی است که به دست پروردگار رقم می‌خورد و انسان در سرنوشت خود، از جبر و اختیار برخوردار است تا هر کدام از دوراهی را طی کند که خداوند به او رهنمون و برایش ترسیم کرده است:

﴿إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾؛ (انسان: ۳)

ما راه را بدو نمودیم؛ یا سپاس‌گزار خواهد بود و یا ناسپاس‌گزار.

مدلی که در این تحقیق دنبال می‌شود، در زمره فرجام‌شناسی الهی و یا آینده‌نگری الهی است؛ یعنی اصل مباحث مربوط به موعود در تمامی ادیان، خاصه ادیان الهی و آموزه‌های

اصیل و فاقد تحریف دینی، محور و پایه فرجام‌شناسی الهی را شکل می‌دهد. همچنین با اعتقاد به موعود شیعه امامیه و فلسفه انتظار، مدل فرجام‌شناسانه مهدوی با نگرشی راهبردی دنبال می‌شود (پورعزت، ۱۳۸۲: ۳۴).

تفکر مهدویت نوعی از تفکرات و نگرش‌های معطوف به آینده و در حقیقت رویکردی آینده‌نگرانه است. در این تفکر، گذشته، حال و آینده جهان حرکتی مستمر، پویا، هدفمند و به سوی کمال ترسیم شده که هیچ‌گونه انحراف و ارتجاعی در آن نیست. در این تفکر، پایان جهان چون آغاز آن در اختیار صالحان است و همان‌طور که خلقت انسان با آفرینش حضرت آدم علیه السلام صورت گرفت و مأموریت نهایی وی در زمینه استقرار عدالت بود، در پایان جهان نیز حکومت صالحان و استقرار عدل جزو ارکان اصلی این تفکر برشمرده می‌شود. (اسفندیاری، ۱۳۸۸: ۹۱) قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنَ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ (انبیاء: ۱۰۵)

و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

بحث از موعود و مصلح جهانی در تمامی ادیان، مذاهب و اقوام بشر، به اشکال مختلف وجود دارد. موضوع موعودگرایی در آیین‌های ادیان و اعتقادات، خود می‌تواند پژوهشی جامع و گسترده باشد، اما در این تحقیق، صرفاً برای نشان دادن اهمیت موضوع و کاربرد این تفکرات در مدل‌سازی نهایی، مطالبی به صورت فهرست‌وار مرور شده است. البته در همین فصل، در مورد نگرش یهود و مسیحیت به مسئله موعود، بیش‌تر خواهیم پرداخت:

۱. در دین زرتشت، موعودهای متعددی معرفی شده‌اند که به آن‌ها «سوشیانت» گویند. آن‌ها سه تن هستند که مهم‌ترین آن‌ها که آخرین نیز به شمار می‌آید، سوشیانت پیروزگر است که در دوره آخرالزمان ظهور می‌نماید و اهرمن را نابود می‌کند. برای نمونه، جاماسب در کتاب *جاماسب نامه* از زرتشت نقل می‌کند که: «مردی بیرون آید از زمین تازیان... و برآیین جدّ خویش با سپاه بسیار روی به ایران نهد و آبادی کند و زمین را پر داد نماید و سوشیانس (نجات‌دهنده بزرگ) دین را به جهان رواج دهد؛ فقر و تنگ‌دستی را ریشه‌کن سازد؛ ایزدان را از دست اهریمن نجات دهد؛ مردم جهان را همفکر و هم‌گفتار و هم‌کردار گرداند.» یا در کتاب مذهبی زرتشتیان آمده است: «لشکر اهریمنان با ایزدان دائم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد... آن‌گاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازند... و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم



کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیک بختی خواهند نشست.»
(1383, amouood.org)

۲. در آیین هندو و در کتاب *پورانا*، شرح جامعی از دوران آخر عصر کالی، یعنی آخرین دوره قبل از ظهور دهمین آواتارای ویشنو آمده است. مقصود از عصر کالی، همان آخرالزمان است. مثلاً در کتب آن‌ها آمده که: «سرانجام دنیا، به کسی برگردد که خدا دوست دارد، و از بندگان خاص او باشد و نام او "فرخنده و خجسته" باشد.»

هندوها مصلح را «مظهر ویشنو» به معنای مظهر دهم می‌دانند و آورده‌اند: «این مظهر ویشنو در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفیدی در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله‌دار در دست دارد، ظاهر می‌شود و شیریان را تماماً هلاک می‌سازد و خلقت را از نو، تجدید و پاکی را رجعت خواهد داد... این مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد.» یا «شاکمونی» پیغمبر هندوها در کتاب مذهبی خود می‌گوید: «پادشاهی دولت دنیا به فرزند سید خلیق دو جهان "کشن" بزرگوار تمام شود و دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده گردد.» (محسنی کبیر، ۱۳۸۰: ۴۸)

۳. در کیش بودایی، بودای پنجم موعود مورد نظر است که در پایان تاریخ ظهور می‌کند.

۴. در *مزامیر داوود* آمده است «... زیرا که شیریان منقطع خواهند شد، اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد. هان، بعد از اندک زمانی، شیرین نخواهد بود. در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود. اما حکیمان (صالحان) وارث زمین خواهند شد... و میراث آن‌ها خواهد بود تا ابدالابد...؛ زیرا متبرکان خداوند وارث زمین خواهند شد اما ملعونان وی منقطع خواهند شد.» (1384, zohoor.ir)

۵. موضوع موعود در کتب مقدس یهودیان و مسیحیان، جدی بوده و در کتب عهدین و در اسفار متعدد *تورات*، در مورد منجی نهایی بحث شده است. در *تورات* می‌خوانیم: «و نهالی از تنه یسی بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خدا بر او قرار خواهد گرفت... مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین، به راستی حکم خواهد کرد... گرگ با بره سکونت خواهد کرد و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر پرواری با هم و طفل کوچک، آن‌ها را خواهد راند و در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فساد نخواهند کرد؛ زیرا جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد.» یا در *انجیل* چنین می‌خوانیم: «کمرهای خود را بسته، چراغ‌های خود را فروخته بدارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند. تا هر وقت از عروسی مراجعت کند،

تا هر وقت آید و در را بکوبد، بی درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد... پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پس ایشان می آید... چون برق که از مشرق بیرون می آید و تا مغرب ظاهر می گردد. آمدن فرزند انسان نیز چنین خواهد بود... خواهند دید فرزند انسان را بر ابرهای آسمان که می آید با قدرت و جلال عظیم... و چون فرزند انسان در جلال خود خواهد آمد با جمیع ملائکه مقدسه بر کرسی بزرگی قرار خواهد گرفت...» در یکی از اناجیل مورد قبول مسیحیان پروتستان، در وصایای حضرت مسیح علیه السلام به شمعون پطرس این طور آمده: «ای شمعون، خدای به من فرمود: تو را وصیت می کنم به سید انبیا که بزرگ فرزندان آدم و پیغمبر اُمّی عربی است و بیاید ساعتی که فرج قوی گردد و نبوت بسیار شود و مانند سیل، جهان را پر کند.» (محسنی کبیر، ۱۳۸۰: ۷۸)

۶. در کتاب مقدس برهمایان آمده است: «دست حق در آید و جانشین آخر "ممتاطا" ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد همه جا و خلائق را هدایت کند.» (همو: ۷۹)

۷. در نگاهی کلی، در کتب اهل سنت چون *صحیح بخاری*، *الرساله شافعی*، *مسند حنبل شیانی* و صدها کتاب دیگر، در مورد موعود آخرالزمان بحث شده است. بسیاری از علمای اهل سنت در آثار خویش به نقل احادیث مربوط به امام زمان علیه السلام پرداخته اند و درباره زندگی، سیرت، علایم ظهور و سایر ویژگی های حضرتش سخن گفته اند. جالب آن است که در مجموعه کتبی که دانشمندان سنی، راجع به امام زمان علیه السلام نگاشته اند، هم کتب معتبر اهل سنت یعنی صحاح سته و مسند موجود است و هم برخی از آن ها پیش از ولادت مبارک آن حضرت و برخی نیز در دوره غیبت صغرا نوشته شده اند (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۱: ۹۶).

۸. اگر در فرقه های مهم و اصلی شیعه دوازده امامی، یعنی کیسانیه، زیدیه، ناووسیه، واقفیه و اسماعیلیه دقت گردد، دانسته می شود که در اکثر آن ها امامت عامه، محور تفکر است. نظر شیعه دوازده امامی، قابلیت بررسی دارد؛ زیرا در آن حضرت مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام که هم امام معصوم است و هم زنده، موعود ادیان و منجی آخرالزمان است. در این نگرش، ادله و شواهدی بر ولادت حضرت مهدی علیه السلام تشریفات و توقیعات در زمان پدر و غیبت صغرا و کبرا وجود دارد (محسنی کبیر، ۱۳۸۰: ۱۴).

البته از نظر شیعه دوازده امامی، امام باید معصوم باشد؛ زیرا اصل ضرورت عصمت، به منزله یکی از مبانی اعتقادی شیعه پذیرفته شده است. آیه شریفه ذیل یکی از ادله نقلی این ادعاست:

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾؛ (بقره: ۱۲۴)

و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود، و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: «من تو را پیشوای مردم قرار دادم.» [ابراهیم] پرسید: «از دودمانم [چطور]؟» فرمود: «پیمان من به بیدادگران نمی‌رسد.»

در این بیان شریف، ستم نکردن شرط امامت و پیشوایی مردم است؛ یعنی انسان پاک و معصوم، عاری از هرگونه ظلم در هر اندازه و کیفیت. از این رو در این اعتقاد، کسانی که معصوم نباشند، اصولاً از دایره امامت کنار می‌روند و نمی‌توانند موعود شیعه باشند.

در جمع بندی این مطالب باید گفت که فوتوریسم یعنی اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی غیبی و مصلح بزرگ جهانی، از مسائلی است که در بحث‌های تئولوژیک تمام مذاهب و ادیان درباره آن بحث و گفت‌وگو شده است و همه ادیان در آن مشترکند، اما در مصداق آن اختلاف وجود دارد. البته در تمامی این تفکرات، سمت و سوی جهان رو به پیروزی عدالت و نجات قطعی انسان‌ها و نابودی حتمی ظلم و ظالم می‌رود و همین «انتظار»، عامل نیروبخش و ایمان‌بخش به ستم‌دیدگان است و امیدواری آن‌ها به پیروزی را باعث شده و این ایمان قطعی، نه تنها آن‌ها را بی‌مسئولیت و منفعل بار نمی‌آورد، بلکه به آنان نیرو، قدرت و اطمینان به پیروزی و روحیه فعال می‌دهد.

آثار مهدویت در مدیریت اسلامی

مهدویت در مدیریت اسلامی، آثار و نتایج دارد؛ از جمله:

۱. مهدویت به عنوان یک الگوی مدیریتی و حکومتی، در عرصه مدیریت مطرح است. در حکومت حضرت مهدی علیه السلام عدالت، مهم‌ترین محور مدیریت محسوب می‌شود و افراد شایسته، زمام امور را برعهده دارند؛
۲. ایجاد زمینه امید و تلاش و حرکت؛
۳. تلاش برای اصلاح وضع موجود فردی و اجتماعی؛
۴. ایجاد زمینه برنامه‌ریزی و پی‌گیری در فرد و جامعه؛
۵. ایجاد روحیه اتحاد و مشارکت گروهی؛
۶. مهدویت یک عامل انگیزش در مدیریت است؛
۷. حاکمیت روش خودمدیریتی؛

۸. پدیده انتظار، باعث ایجاد روحیه امر به معروف و نهی از منکر می شود (فروزنده و جوکار، ۱۳۸۶).

ویژگی های حکومت جهانی امام عصر علیه السلام

حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام دارای ویژگی هایی است؛ از جمله:

۱. رشد سریع علم و علوم اسلامی؛
۲. جهانی شدن عدالت؛
۳. حکومت صالحان در زمان ظهور؛
۴. آبادانی جهان؛
۵. وجود امنیت در زمان ظهور؛
۶. برادری و برابری و نبود تبعیض؛
۷. اجرا کردن شیوه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم؛
۸. از بین رفتن هر نوع بیماری و ناراحتی و نقص عضو و ناتوانی؛
۹. نبود فقیر و نیازمند (همو).

ماهیت حکومت جهانی مهدویت

حکومت جهان اسلام به رهبری امام زمان علیه السلام دارای روح و ماهیت ویژه ای است که دیگر حکومت ها از آن بی بهره اند. ماهیت حکومت اسلام، آموزه های وحیانی است که به انسان تعلیم می دهد که خدای او یکی است و فقط باید در برابر خداوند عبادت و کرنش کند و در رفتار و کردارش از دایره بندگی خدا بیرون نرود؛ زیرا خداوند در قرآن می فرماید: «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا». این حکومت پیامی دارد تا در بستر عمل به ارزش های وحیانی، دنیای بهتری را به وی ارزانی بدارد. متأسفانه آن چه در حکومت امروز بشری کم تر وجود دارد یا اصلاً به چشم نمی خورد، خداست و پای بندی به وحی و اخلاق و ارزش های معنوی کم تر دیده می شود.

حکومت مادی بر اساس سرمایه اندوزی، مال پرستی و سود بیش تر، از هر طریق و ترفند، بنا شده است. این تاروپود، جای عشق به خوبی ها، ارزش ها، ایثار و مجاهدت ها و بالأخره زیبایی های زندگی را اشغال کرده، به طوری که جامعه انسانی را از گردونه خوبی ها حذف نموده است.



بنابراین حکومت مادی، می‌پندارد که دین و امور معنوی، در پیوندهای اجتماعی ناکارآمد است و این پندار تا جایی در افکار و اندیشه جامعه بشری ریشه کرده که معتقد است تمدن و حکومت را باید بدون در نظر گرفتن ارزش‌ها پایه‌ریزی کرد.

استاد شهید مرتضی مطهری در این باره می‌نویسد: «فکر خدا و زندگی اخروی را باید کنار گذاشت ... باید رأفت و رقت قلب را دور انداخت. رأفت از عجز است؛ فروتنی و فرمان برداری از فرومایگی است؛ حلم و حوصله، عفو و اغماض، از بی‌همتایی و مستی است. مردانگی باید اختیار کرد. بشر باید به مرحله مرد برتر برسد، عزم و اراده داشته باشد. این است روح حکومت مادی غرب که از باب نمونه به آن اشاره کردیم.» ولی حکومت جهانی مهدویت که به همت توانای امام عصر علیه السلام توسعه و گسترش می‌یابد و بر اساس وحی و ماهیت دینی جلوه‌گری می‌کند، دارای چند ویژگی خواهد بود (طاهری، ۱۳۸۸):

۱. **ایمان و معنویت:** ایمان و معنویت شاخص اول به شمار می‌آید. انگیزه و موتور پیش‌برنده حقیقی در نظام مهدوی، ایمانی است که از سرچشمه دل و فکر مردم می‌جوشد و دست و پا و وجود آن‌ها را در جهت درست به حرکت درمی‌آورد. پس شاخص اول، دمیدن و تقویت روح ایمان و معنویت و دادن اعتقاد و اندیشه‌ای درست به افراد است (کارگر، ۱۳۸۶: ۷۶).

۲. **عدل و احسان:** عدل و احسان، در حکومت جهانی اسلام سنگ زیرین است. اجرای عدالت اجتماعی و گسترش آن، از بنیادی‌ترین ویژگی‌های حکومت مهدویت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و معصومان علیهم السلام نیز بر این حقیقت انگشت نهاده‌اند که امام زمان علیه السلام خواهد آمد و جهان پر از ظلم و جور را پر از عدل و داد خواهد کرد. بنابراین می‌توان گفت: اجرای عدالت بر اساس دین، سرآغاز انقلاب اجتماعی و حکومت جهانی آن حضرت است و این اجرای عدالت، به کارگزاران و کارکنانی عادل و نیکوکار نیاز دارد.

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾
(حدید: ۲۵)

به راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آن‌ها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند.

از این رو، همان‌طور که پیامبران وظیفه داشتند تا مردم را برابر کتاب و میزان، به دادگری به پا دارند، حضرت مهدی علیه السلام نیز وظیفه دارد بر سیره پیامبران، جامعه انسانی را به دادگری به پا داشته و از نارواها و ستم باز دارد.

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ

الْبَغْيِ ﴿٩٠﴾؛ (نحل: ٩٠)

در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم بازمی‌دارد.

این آیه، اصول ارزش‌های فردی و اجتماعی را ترسیم کرده و نیز از ضد ارزش‌ها و پلیدی‌ها بازداشته است. این آیه به معنای واقعی و کامل، در عصر ظهور اجرا خواهد شد. عدل یعنی نگه‌داشت دقیق حقوق مردم و مبارزه فراگیر و همه‌سویه با نابرابری‌ها. احسان، جایگاه برتری در میان ارزش‌های اجتماعی اسلام دارد که به یک معنا بالاتر از عدالت است؛ زیرا اگر در هر حکومت پایه‌های حقوقی انسانی، بر اساس عدالت اجتماعی استوار گردد، جلوه‌های احسان و نیکوکاری، فضای جامعه را می‌آکند.

۳. **استحکام پیوندهای اجتماعی:** به‌طور کلی تاروپود و ساختار هر تمدن و حکومتی را افراد آن می‌سازند. جامعه بشری با برخورداری از روح جمعی، پایه‌های حکومت را بنا می‌کند و بر پویایی و شکوفایی آن می‌افزاید. انسان‌ها به پاره‌های پیکر حکومت می‌مانند که به هر نسبت پیوند و زندگی جمعی آنان بیش‌تر باشد، آثار پیشرفت و توسعه در آن حکومت نمایان‌تر است. در آموزه‌های اسلامی، مفاهیم و واژه‌هایی وجود دارد که پیام آن‌ها بنیان‌گذاری و شکوفاسازی و استحکام روحیه جمعی و اجتماعی است؛ مانند «تواد»، «تراحم»، «تعاضد»، «تواصی» و از همه گویاتر واژه «تعاون» که خداوند در قرآن به عنوان یک دستور اجتماعی به انسان‌ها می‌فرماید:

﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾؛ (مائده: ۲)

در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید.

بنابراین، از آیات و روایات به خوبی استفاده می‌شود که تعاون بر نیکی و نیکویی، به مفهوم گسترده آن یعنی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، در یکی از ابزارهای تمدن اسلامی است و روشن است که پیدایش روح جمعی و تعاون، ساخته و پرداخته حکومت اسلامی است (حائری پور، ۱۳۸۸: ۱۲).

۴. **برقراری امنیت:** در هر فرهنگ و حکومتی، امنیت اجتماعی اصل است. برقراری امنیت، از مهم‌ترین نیازهای اساسی بشر به شمار می‌آید: امنیت سیاسی، قضایی، قانونی، اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و خانوادگی. بستر زندگی سالم و جامعه صالح، امنیت و آرامش را فراهم می‌سازد.



از مهم‌ترین محصولات امنیت، پدیدار شدن نشانه‌های عدالت است و مردم، همبستگی بیش‌تری پیدا می‌کنند. در این صورت، راه‌های نفوذ هجوم‌ها و شیخون‌های دشمنان داخلی و خارجی را با تمام توان می‌بندند و آقایی و سربلندی خویش را پاس می‌دارند. برقراری امنیت به معنای اعم آن، یکی از ویژگی‌های حکومت جهانی مهدوی است. همه‌جا و در همه موارد ذکر شده که امنیت و آرامش، در حد‌اعلای آن گسترش می‌یابد و در آن حکومت، جان و مال و ناموس و آبروی مردم از هر آسیبی در امان می‌ماند.

شاید این آیه شریفه بر همین مورد یعنی حکومت جهانی آن حضرت تطبیق می‌یابد:

﴿وَلِيُبَدِّلَهُمْ مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾؛ (نور: ۵۵)

و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «آیه شریفه درباره حکومت امام زمان است» و سپس ادامه می‌دهد:

در آن زمان چندان امنیت بر سراسر جهان گسترده می‌شود که از هیچ چیز به چیز دیگر، زیان نمی‌رسد. ترس و وحشتی به چشم نمی‌خورد. حتی جانوران و حیوانات در بین مردم رفت و آمد می‌کنند و نسبت به یکدیگر آزاری ندارند (متقی‌زاده: ۱۳۸۹: ۵۲).

۵. سامان‌دهی اقتصادی: در تعالیم دینی و آموزه‌های آن، پیوندی استوار بین مسائل اقتصادی و مسائل معنوی دیده می‌شود. در این زمینه روایات فراوان است؛ از جمله پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

لولا الخبز ما صلينا ولا صمنا ولا ادينا فرائض ربنا؛ (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۵، ۷۳)

بدون نان، نه عبادت می‌توان کرد و نه روزه می‌توان گرفت و نه واجبات دیگر را می‌توان انجام داد.

ثلاثة أشياء يحتاج الناس ظراً إليها: الأمن والعدل والخصب؛ (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۲۰)

سه چیز است که همه مردم به آن نیاز دارند: امنیت، عدالت و فراوانی ارزاق.

۶. رشد عقل و گسترش دانش: عقل در نظام و حکومت اسلامی، جایگاه ویژه‌ای دارد و رکن حرکت و تلاش به شمار می‌رود. عقل ستون خیمه دین است و دین بدون عقل، جایگاه حقیقی خود را پیدا نمی‌کند. اساساً دین بدون عقل شناخته نمی‌شود و مجهول می‌ماند. عقل گوهر دین را می‌شناساند و به انسان می‌فهماند و دستور می‌دهد که در برابر آن سر فرود آورد و به فرمان‌هایش گردن نهد. خلاصه عقل، راهنمای انسان است به سوی زیبایی‌ها، خوبی‌ها،

ارزش‌ها، راستی‌ها و پرهیزدهنده از خطرها. از این رو در قرآن، از عقل به خردورزی، اندیشیدن به علم و دین آگاه شدن و فرزاندگی سفارش بسیار شده است و در فقه اسلامی نیز عقل، یکی از منابع چهارگانه اجتهاد به شمار می‌رود؛ زیرا اجتهاد بدون در نظر گرفتن این رکن مهم و پایه استوار، ناتمام است. از امام صادق علیه السلام درباره جایگاه عقل در زندگی بشر سؤال شد. حضرت در پاسخ فرمود:

ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان؛ (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۱۱)

چیزی است که با آن خداوند عبادت می‌شود و بهشت به دست می‌آید.

سپس سؤال‌کننده پرسید: «آن چه معاویه در زندگی خود به کار بست چه بود؟» حضرت در پاسخ فرمود:

تلك التكرار، تلك الشيطنة و هي شبيهة بالعقل و ليست بالعقل؛ (همو)
معاویه نیرنگ، فریب و شیطنت داشت و آن، مانند عقل بود نه خود عقل.

در حکومت اسلامی مهدویت، عقل با بندگی، اخلاق، ارزش و تقوا، پیوند ناگسستنی دارند. هرگاه عقل با یکی از این‌ها و صدها ارزش والای دیگر، همراه نباشد، از مدار خارج می‌شود و جامعه به نیرنگ می‌آلاید و هرگونه سودجویی، استثمار، استعمار و به بردگی واداشتن دیگران، خردورزی نام می‌گیرد. علم و تکنولوژی که دست‌آورد عقل و خرد است، اگر با عقل سالم و به دور از هوا و هوس به کار گرفته نشود، فاجعه به بار می‌آورد، همان فاجعه‌ای که امروز شاهد آن هستیم.

۷. سادگی در تجملات: سادگی ویژگی دیگر حکومت حضرت علیه السلام است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

اگر قائم ما ظهور نماید، خوراکش جز غذایی ساده و مقداری شیر نخواهد بود و لباسش خشن و غیرلطیف است (مجلسی، ۱۳۹۴: ج ۵۲، ۳۵۸).

حضرت مهدی علیه السلام در سادگی از پیامبر اسلام پیروی می‌کند. امام برای خود بسیار سخت‌گیر است؛ لباس خشن می‌پوشد و نان جو می‌خورد. اما برای امت، بسیار مهربان است؛ زیرا مردم به او پناه می‌برند (حکیم، ۱۴۲۲: ۲۲۱). حضرت اگر زندگی ساده دارد، به دلیل این نیست که مجبور است و توان زندگی با تجمل را ندارد؛ زیرا در آن زمان، زندگی مردم عادی بسیار خوب است و آنان از بهترین نعمت‌ها بهره‌مند هستند، چه رسد به این که رهبر جامعه که همه چیز در اختیارش است. اما زندگی حضرت شاید به این دلیل ساده باشد که ایشان به زندگی دنیایی

زیاد اهمیت نمی دهد و به اندازه نیاز و قرب الهی از آن استفاده می کند.

۸. **تکامل اخلاق و عزت اجتماعی:** در آن زمان مردم آسایش فراوانی دارند و عزت نفسشان چنان بالا می رود که از پذیرفتن زکات و امثال آن امتناع می کنند. رسول خدا ﷺ فرمود:
 هنگامی که حضرت مهدی ظهور کند، مردم اموال و زکات ها را در کوزه ها می برند، ولی کسی پیدا نمی شود که به دریافت آن ها حاضر باشد.

امام باقر علیه السلام نیز فرمود:

مردم، مالیات خود را بر گردن گذاشته، به سوی مهدی می روند. خداوند به شیعیان ما در زندگی رفاه و آسایش داده است و آنان در بی نیازی به سر می برند، و اگر لطف و سعادت خداوند آنان را در بر نمی گرفت، سرکشی می کردند (مجلسی، ۱۳۹۴: ج ۵۲، ۳۴۵).

حضرت اباعبدالله علیه السلام فرمود:

در زمان ظهور حضرت قائم، زمین گنج های خود را بیرون می ریزد، به گونه ای که مردم آن را بر روی زمین می بینند. مردم زکات مال خود را به دوش می گیرند تا مستحق بیابند و زکات مال را به او بدهند، اما به دلیل این که خداوند آن ها را بی نیاز گردانیده و به فضل خویش به آن ها روزی داده است، کسی پیدا نمی شود تا زکات را قبول نماید (همو: ج ۵۲، ۳۳۷).

از این احادیث چنین برمی آید که مردم از لحاظ زندگی مادی، در آسایش و راحتی خواهند بود. دلیل آن واضح است؛ زیرا از یک سو، باران فراوان می بارد که باعث می شود زمین برکاتش را خارج کند و از سوی دیگر، مردم اموال واجب خود را بیرون می آورند و افراد جامعه عزت طلب و قانع هستند و امام نیز اموال را مساوی میانشان تقسیم می کند. این عوامل باعث می شود تا مردم در جامعه، از لحاظ اقتصادی زندگی مرفهی داشته باشند.

۹. **توحید محوری:** توحید محوری، از مهم ترین ویژگی های حکومت جهانی اسلام است. همه قوانین و تدابیر اجرایی در این حکومت بر محوریت توحید استوار است. توحید سرچشمه وحدت در قانون گذاری و محور مشترک تمام جوامع بشری در جایگاه بندگان خدای یکتاست. حکومت جهانی اسلام به صورت تجلی اراده الهی، بالاترین سازوکار مدیریتی و اجرایی است. بر اساس اندیشه توحیدی، نابرابری های طبقاتی و نژادی رنگ می بازد و همگان در صف واحد، پیرو این دین واحد و فرمان بردار قانون الهی شناخته می شوند. بی تردید نابرابری های طبقاتی، نژادی و خانوادگی، یکی از آسیب های زیان بار جامعه مستقل و سالم شمرده می شود. در جامعه ای نابرابر که امکانات و برخورداری های مادی و معنوی در اختیار طبقه خاص قرار

دارد، بی‌عدالتی و تبعیض به وجود خواهد آمد و وجود تبعیض و نابرابری، حکومت‌ها را با چالش مشروعیت و مقبولیت و سرانجام بی‌ثباتی سیاسی روبه‌رو می‌سازد؛ اما در جامعه جهانی اسلام، برابری همگان در پیشگاه قانون و برخورداری برابر از امکانات موجود بر محوریت اندیشه توحیدی محوری، به ایجاد قانون واحد و روش واحد قانون‌گرایی و قانون‌گذاری می‌انجامد و جامعه چندپاره را به وحدت و یک‌رنگی می‌رساند.

در همین زمینه، امام صادق علیه السلام حکومت آن حضرت را چنین معرفی می‌فرماید:

ای مفضل، سوگند به خدا که او (مهدی علیه السلام) اختلاف میان ملت‌ها و ادیان را برمی‌چیند و دین، واحد می‌شود؛ همان‌گونه که خدا فرموده است: «در حقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است» (همو: ج ۳، ۴۵).

۱۰. اجرای کامل قوانین: از جمله عواملی که در نیک‌بختی یا نگون‌بختی اصلاح، سازندگی، تباهی و انحطاط جامعه‌ها و تمدن‌ها نقش سرنوشت‌سازی دارد، قوانین و مقررات حاکم بر جامعه و تمدن در ابعاد گوناگون حیات، به‌ویژه حکومت و سیاست و قضاوت است. قوانین با همه انواع و اقسام آن، ابزارها و دستگاه‌های تربیت‌کننده‌ای هستند که جامعه را به سوی ارزش‌ها یا ضد ارزش‌ها جهت می‌دهند و به سوی نیکی و نیک‌بختی یا شرارت و نگون‌سازی سوق می‌دهند.

در این میان، تنها قوانین اسلام واقعی است که نیک‌بختی جامعه انسانی را در دنیا و آخرت تضمین می‌کند. قوانین اسلام، احکام و مقررات راستین خدا، جز در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیر مؤمنان علی علیه السلام به‌طور کامل اجرا نگردید و فعلیت همه آن‌ها در عصر حضرت مهدی علیه السلام و جامعه مهدوی محقق خواهد شد. تمامی قوانین و مقررات بیگانه از اسلام و قرآن، در حکومت امام مهدی علیه السلام دور ریخته می‌شود و هرگز بدان‌ها عمل نمی‌گردد و به جای آن‌ها، مقررات درخشان و زندگی‌ساز برخاسته از قرآن و شیوه راستین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امور مردم را تدبیر و شئون کشور را تنظیم می‌کند و در کران تا کران جامعه‌ها، همان‌گونه که شایسته و بایسته است، اجرا می‌شود. در واقع هدف حضرت مهدی علیه السلام همان هدف بعثت خاتم الانبیاست که در جامعه فعلی و قبل از جامعه مهدوی، به واسطه فقدان شرایط و موانع خارجی تحقق نیافته و در جامعه مهدوی شرایط فراهم و موانع مرتفع خواهد شد (کارگر، ۱۳۸۶: ۴۵).

۱۱. صفا و اخوت: در نظام مهدوی، درگیری‌های برخاسته از انگیزه‌های خرافی و شخصی و منفعت‌طلبی، مردود است و با آن مبارزه می‌شود. فضا، فضای صمیمیت، برادری و همدلی است (الهی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۶۷).

۱۲. **صلاح اخلاقی و رفتاری:** اسلام انسان را تزکیه می‌نماید و از مفسد و رذایل اخلاقی پیراسته و پاک می‌کند و انسان با اخلاق می‌سازد: ﴿وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (جمعه: ۲) تزکیه یکی از آن پایه‌های اصلی است (همو).

۱۳. **اقتدار و عزت:** جامعه و نظام مهدوی، توسری خور و وابسته و دنباله‌روی هر بیگانه‌ای نیست؛ بلکه عزیز و مقتدر و تصمیم‌گیر است؛ صلاح خود را که شناخت، برای تأمین آن تلاش می‌کند و کار خود را به پیش می‌برد (همو).

۱۴. **کار و حرکت و پیشرفت مستمر:** در نظام مهدوی، توقف وجود ندارد. به طور مرتب حرکت و کار و پیشرفت است. البته این کار، لذت‌آور، شادی‌بخش و نیرودهنده است. از این رو، مسئولان نظام باید در این زمینه همه تلاش خود را به کار گیرند تا هم خدمات فرهنگی و معنوی آنان جلوه بیش‌تری یابد، هم به رسالت مهم خویش پای‌بند باشند و هم ضامن تداوم و بقای انقلاب و حافظ ارزش‌ها شوند (همو).
مقام معظم رهبری می‌فرماید:

در زمینه فرهنگی ... ما باید روحیه ایمان و عنصر ایثار و فداکاری را در درجه اول در خودمان و سپس در مردم تقویت کنیم. این هم باید در برنامه‌ها گنجانده و دیده شود. بخش مهمی که قدرت ملی ما را تشکیل داد، همین روحیه ایثار بود که در جنگ به صورت شهادت‌طلبی ظاهر شد. ... اگر ما بتوانیم این را در خودمان تقویت کنیم همه معادلات قدرت در دنیا به سود ما به هم خواهد ریخت (دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲/۵/۱۵).

۱۵. **ریشه‌کن شدن فقر:** وقتی همه منابع زمینی برای امام مهدی علیه السلام آشکار شود و برکات آسمان و زمین، بر مردم زمان او بی‌دریغ جریان یابد و بیت‌المال به عدالت تقسیم گردد، جایی برای تهی‌دستی نمی‌ماند و بشر در دولت امام مهدی علیه السلام برای همیشه از چنگال فقر و نداری رها می‌شود. در روزگار ایشان روابط اقتصادی، بر اساس برادری و برابری شکل می‌گیرد و اصل سودجویی و منفعت‌طلبی شخصی، جای خود را به حس دل‌سوزی، غم‌خواری و مواسات با برادران دینی می‌دهد و در این حال، همه یکدیگر را اعضای یک خانواده می‌دانند و بوی یگانگی و یک‌رنگی در همه جا به مشام می‌رسد.

از روایات استفاده می‌شود که بی‌نیازی مردم در آن زمان، به جهت روحیه قناعت و بی‌نیازی روحی است. به بیان دیگر، پیش از آن که مردم از بیرون، صاحب مال فراوان شوند و بی‌نیاز گردند، از درون، روح بی‌نیازی در آن‌ها به وجود می‌آید و به آن چه خداوند از فضل

خویش به آن‌ها عطا کرده، خشنود می‌گردند و بنابراین چشمی به اموال دیگران ندارند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه می‌فرماید:

و خداوند دل‌های امت محمد صلی الله علیه و آله را از بی‌نیازی پیر می‌کند و عدالت مهدوی همه آن‌ها را دربر می‌گیرد (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۳: ۱۶۷).

۱۶. مقابله با تهاجم فرهنگی و مظاهر فساد: مقام معظم رهبری می‌فرماید:

برای یک ملت فاجعه فرهنگی از فاجعه اقتصادی بسیار سنگین تر و خسارت‌بارتر است. یورش فرهنگی از یورش نظامی بسیار بی‌رحمانه‌تر و صعب‌العلاج‌تر است.

ایشان در جای دیگر فرموده است:

امروز حتی دیرباورترین اشخاص نیز خط و نشان دشمنان سوگندخورده انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را در صحنه پرماجرایی تهاجم فرهنگی به وضوح مشاهده می‌کنند. در این تهاجم خطرناک، نه فقط ارزش‌های اسلامی بلکه فرهنگ اصیل ملی مردم، پیش‌تر باورهای راه‌گشا و مبارک آنان آماج تیرهای زهرآگین دشمنان قرار گرفته است و صدها رسانه گفتاری و تصویری و نوشتاری و انبوهی از نویسندگان و پژوهش‌گران و گویندگان و هنرمندان و پشت سر آنان سیاست‌بازان و سرمایه‌داران و مزدوران‌شان، از چهار گوشه جبهه استکبار، ایران اسلامی و ملت سرافراز آن و به‌ویژه نسل جوان نام‌آور و شجاع را هدف گرفته‌اند. باید مسئولین نظام جهت‌آگاهی به نسل جوان کشور و رفع فساد جامعه بکوشند.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر هدف تحقیق، از نوع کاربردی است. طرح آن توصیفی، از نوع پیمایشی است. در این تحقیق، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. به عبارتی نمونه آماری تحقیق حاضر به صورت تصادفی ساده، از بین کارشناسان، مدیران و متخصصان امور دینی در حوزه و دانشگاه، در سازمان‌های تبلیغات اسلامی و فرهنگ و ارشاد اسلامی شهر قم انتخاب شده‌اند.

جدول - تعداد پرسش‌نامه توزیع شده

۱۰۰	تعداد پرسش‌نامه‌های توزیع شده
۹۵	تعداد پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری شده

در این تحقیق، ابتدا از طریق مطالعه مبانی نظری و ادبیات تحقیق و تبادل نظر با



متخصصان امر، به شناسایی ابعاد و شاخص‌های حکومت مهدوی پرداخته شد. بعد از جمع‌آوری اطلاعات و مشخص کردن فاکتورهای اصلی، از روش پیمایشی که یکی از انواع روش‌ها تحقیق است، استفاده گردید و پرسش‌نامه‌ای برای شناسایی شاخص‌های حکومت مهدوی با هیجده سؤال انتخاب شد. برای طراحی پرسش‌نامه، از مبانی نظری و مطالعات انجام‌شده و تبادل نظر با متخصصان امر و استادان راهنما و مشاور، استفاده گردید. در این تحقیق، به منظور اندازه‌گیری و سنجش پاسخ‌های داده‌شده، از مقیاس ۵ امتیازی لیکرت استفاده گردیده است که از گزینه بسیار بااهمیت تا بسیار بی‌اهمیت را شامل می‌شود.

برای سنجش پایایی پرسش‌نامه، از محاسبه ضریب در نرم‌افزار spss استفاده شده که میزان ۰/۸۱۲ برای پرسش‌نامه شاخص‌های حکومت مهدوی به دست آمد و مشخص گردید که پرسش‌نامه از اعتبار لازم برخوردار است.

در این تحقیق، از روش‌های آمار توصیفی و تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی، برای بررسی نظریات کارکنان و کارشناسان استفاده شده است. البته در کنار آزمون‌های بالا، از آزمون آلفای کرونباخ نیز استفاده گردید. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار Spss استفاده شد.

تحلیل داده‌های تحقیق

تحلیل شاخص‌های حکومت مهدوی از دیدگاه کارشناسان و خبرگان

برای تحلیل و رتبه‌بندی شاخص‌های حکومت مهدوی، از تحلیل اکتشافی استفاده شد. محقق بعد از تشکیل توابع تحلیل اکتشافی، به بررسی ارزش هر یک از مؤلفه‌ها بر اساس ماتریس تشکیل شده پرداخت. بعد از تحلیل داده‌های ماتریس‌های تشکیل شده، نتایج رتبه‌بندی شاخص‌های حکومت مهدوی به صورت ذیل به دست آمد:

بر اساس نظر خبرگان، شاخص توحیدمحوری در رتبه اول قرار دارد. شاخص‌های عدالت، برابری و عدم تبعیض، پیاده‌سازی سیره نبوی و شایسته‌سالاری در رتبه‌های دوم تا پنجم قرار دارند.

جدول رتبه‌بندی ۱۸ فاکتور از دیدگاه خبرگان

میزان اهمیت	رتبه	فاکتورها
٪ ۶۰۷۹	۱	توحیدمحوری
٪ ۶۰۶۷	۲	عدالت
٪ ۶۰۵۹	۳	برابری و عدم تبعیض
٪ ۶۰۵۷	۴	پیاده‌سازی سیره نبوی

میزان اهمیت	رتبه	فاکتورها
٪ ۶.۰۵	۵	شایسته سالاری
٪ ۵.۷۸	۶	سادگی و ساده زیستی
٪ ۵.۵۴	۷	اقتدار و عزت
٪ ۵.۵۰	۸	اجرای کامل قوانین
٪ ۵.۴۵	۹	نوع دوستی و برادری
٪ ۵.۳۲	۱۰	رشد عقل و افزایش دانش
٪ ۵.۲۸	۱۱	استحکام پیوندهای اجتماعی
٪ ۴.۸۰	۱۲	کار و تلاش، توسعه پایدار
٪ ۴.۷۶	۱۳	تکامل اخلاق
٪ ۴.۴۷	۱۴	امنیت و آرامش
٪ ۴.۴۰	۱۵	ریشه کنی فقر و نیازمندی
٪ ۴.۳۰	۱۶	سامان دهی اقتصادی
٪ ۴.۲۵	۱۷	مقابله با تهاجم فرهنگی
٪ ۴.۰۷	۱۸	حمایت از مظلومان

نتیجه گیری تحقیق

در راستای استراتژی های ایجاد حکومت مهدوی در کشور، به نکات ذیل می توان اشاره نمود:

۱. استقرار و تحقق حکومت مهدوی، نیازمند تدوین چشم انداز، استراتژی و برنامه های بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت است. لذا در این بخش، به تعدادی از روش ها و استراتژی های تحقق حکومت مهدوی اشاره می شود:

۲. تدوین چشم انداز حکومت اسلامی بر پایه تفکر مهدویت از دیدگاه قرآن، روایات و احادیث: تحقق یافتن حکومت مهدوی و تبلور شاخص های حکومت مهدوی در آن، نیازمند تدوین استراتژی هایی برای تحقق آرمان های حکومت مهدوی است. از این رو، تدوین استراتژی های حکومت مهدوی، نیازمند تدوین برنامه های بالادستی و پایین دستی است. از جمله سندهای بالادستی، سند چشم انداز است تا آرمان های حکومت مهدوی را معرفی نماید و مشخص کند که در این حکومت، به دنبال چه هستیم و به کجا می خواهیم برسیم.

۳. تدوین استراتژی وحدت و انسجام میان مسلمانان: تقویت انسجام اسلامی یکی دیگر از راهکارهای موضوع دفاع از مهدویت می تواند باشد. اعتقاد به ظهور مهدی عج به جامعه شیعیان اختصاص ندارد، بلکه به عنوان یک موضوع اسلامی، نزد بسیاری از اهل سنت نیز معتبر و مورد احترام است. بر این اساس، دفاع از اصالت مهدویت، وظیفه همه مسلمانان است



و این امر، نقش مهمی در جهت تقویت انسجام اسلامی می‌تواند ایفا نماید. در دورانی که جهان غرب، تحریف و تضعیف مبانی اعتقادی اسلام را دنبال می‌کند و تمام توان تبلیغاتی خود از قبیل رسانه، فیلم، ماهواره، بازی‌های رایانه‌ای و قلم و بیان را در این مسیر به کار گرفته است، ضرورت دارد کشورها و علمای اسلامی، ترغیب شوند تا یکپارچه به دفاع از اندیشه مهدویت بپردازند. امروز ضرورت ایجاد انسجام اسلامی برای مقابله با این وضعیت، بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود. بنابراین ضرورت دارد جهان اسلام به خصوص اهل تقرب و به‌ویژه شیعیان، در جهت تبدیل اندیشه مهدویت به عاملی برای وحدت و همگرایی فعالیت نمایند.

یکی از شیوه‌های کاربردی در ایجاد وحدت اسلامی، تدوین آثار علمی در قالب کتاب، مجله و روزنامه، نیز برگزاری نشست‌های علمی و تبادل افکار و نظریات است. در آثار علمی باید به عوامل وحدت و عوامل اختلاف پرداخته شده و مشکلات جهان اسلام بررسی گردد. تدوین فقه مقارن و عقاید تطبیقی و مقایسه‌ای نیز باید از محورهای مهم آثار علمی باشند. کتاب‌هایی مانند *الفصول المهمة* نوشته علامه شرف‌الدین و انتشار مجله‌ای مانند *رسالة التقرب*، نقش بنیادی در زمینه‌سازی وحدت اسلامی داشته‌اند. از سوی دیگر، با تدوین سریال‌ها و نمایش‌نامه‌ها نیز برای ایجاد وحدت اسلامی می‌توان زمینه‌سازی نمود. بهتر است این دست از آثار، به زبان‌های مختلف ترجمه شوند و در اختیار مسلمانان قرار گیرند.

۴. **استراتژی ترویج و اشاعه فرهنگ مهدویت و اعتقاد به مهدویت و وجود منجی موعود، با ویژگی‌هایی که شیعه به آن اعتقاد دارد:** جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی به‌ویژه دیپلماسی فرهنگی، باید از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد. کشوری که به اندیشه مهدویت معتقد بوده و در انتظار نظامی مبتنی بر عدل و صلح است، نمی‌تواند نظم ظالمانه فعلی در عرصه بین‌الملل را بپذیرد. این کشور باید مبانی فکری نظام جهانی مبتنی بر بی‌عدالتی را به چالش کشد و بر ضرورت استقرار یک نظام عادلانه بین‌المللی در جهان اصرار ورزد. لذا استفاده از تریبون‌های بین‌المللی برای افشای نقاط منفی نظم فعلی در جهان و معرفی نظم مبتنی بر عدالت و اخلاق باید کماکان در دستور کار دستگاه دیپلماسی کشور قرار گیرد.

هم‌اکنون تئوری‌های نویسندگانی از قبیل هانتینگتون، جنگ و میان فرهنگ‌ها و تمدن‌های جهان به‌ویژه تمدن‌های اسلامی و چینی را تشویق می‌کند. جلوگیری از وقوع جنگ بین تمدن‌ها، نیازمند اشاعه تفکر مهدویت اسلامی است؛ زیرا مهدویت با تکیه بر مکتب غنی و کامل اسلام و با آرمان صلح‌طلبی و عدالت‌خواهی، آینده‌ای امیدبخش را به انسان‌ها نوید می‌دهد.

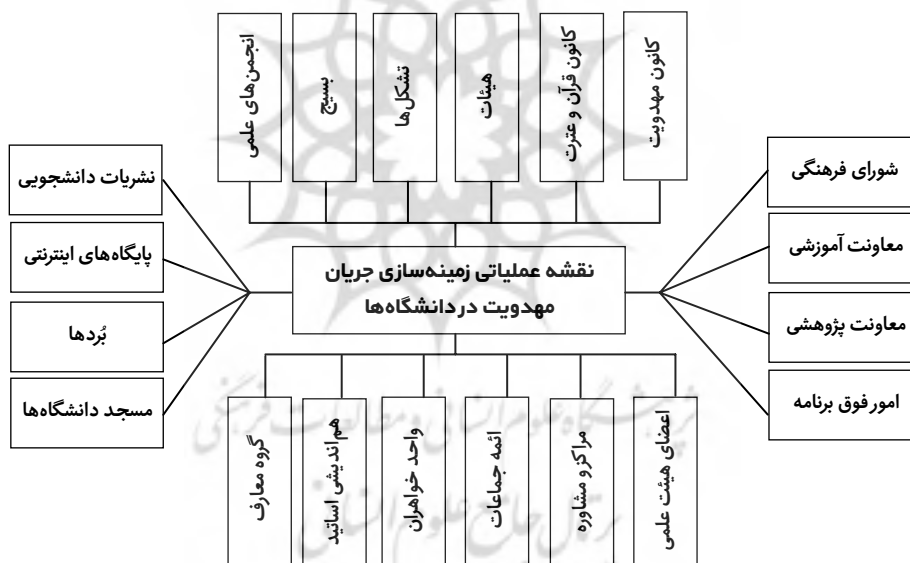
پیشنهادها

۱. فرهنگ‌سازی و اشاعه فرهنگ مهدویت از طریق آموزش در مدارس و دانشگاه‌ها: برای تغییر اساسی در نگرش و تفکرات جامعه، نیازمند تغییرات اساسی در بینش و نظریات کودکان و جوانان هستیم. به همین جهت، در مدارس و دانشگاه‌ها با بازنگری در سرفصل دروس و متون درسی و گنجانیدن مباحث مهدویت و فرهنگ اسلامی، گامی اساسی را در استقرار حکومت مهدوی در جامعه می‌توان برداشت.
۲. رسانه‌های چندگانه، همچون تلویزیون، رادیو، روزنامه‌ها، وبلاگ‌ها، ماهواره‌ها و ... از ابزارهای اصلی و تأثیرگذار بر روی فرهنگ جامعه است. صدا و سیما می‌تواند به سمت تدوین و ساخت برنامه‌های ارزشی، با رویکرد اسلامی و تأکید بر تفکر مهدویت گام بردارد و در جهت استقرار شاخص‌های حکومت مهدوی در نظام حکومتی کشور تلاش نماید. در صورت تغییر فرهنگ جامع به سوی مهدویت و انتظار ظهور، آحاد جامعه از مسئولان می‌خواهند تا در جهت اصلاح ساختار و قوانین کشور در راستای استقرار حکومت مهدوی گام بردارند.
۳. در کشور ما، هرچند بنا بر سخنان مقام معظم رهبری، شورای عالی انقلاب فرهنگی متولی اصلی فرهنگ است، نهادهای مختلفی همچون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم تحقیقات و فن‌آوری و ... نیز متولی هستند. از این رو، ساختارهای موازی در جهت فرهنگ‌سازی در جامعه گام برمی‌دارند. لذا هماهنگی و یکسان‌سازی برنامه‌ها و استراتژی‌های این نهادها ضروری به نظر می‌رسد. از این رو، باید ساختاری مناسب و هماهنگ در این حوزه ایجاد شوند تا برنامه‌های اشاعه فرهنگ مهدویت، با دیدگاه‌ها و سلیقه‌های مختلف اجرا نشود که این تفاوت در سلیقه‌ها، ممکن است باعث سردرگمی جامعه شود و در نهایت نتایج معکوسی دربر داشته باشد.
۴. نهادینه شدن فرهنگ مهدوی و فرهنگ‌سازی، نیازمند داشتن مبانی نظری قوی و تدوین منابع و کتب مناسب در این زمینه است. برای تحقق این امر، باید مراکز پژوهشی در حوزه مهدویت ایجاد شوند که به طور خاص، در جهت تحقق اهداف حکومت مهدوی پژوهش کنند و نتایج آن را به صورت مکتوب چاپ نمایند و در اختیار مراکز آموزشی و علمی قرار دهند تا مستندات در این زمینه افزایش یابد. هر چقدر مستندات و ادله تفکر مهدویت در کشور افزایش یابد، پشتوانه قوی‌تری بر حمایت از تفکرات مهدویت در برابر پرسش‌ها و ابهامات موجود در این حوزه ایجاد می‌شود.
۵. برقراری ارتباط مستمر بین حوزه و دانشگاه برای تبادل فکری میان این دو قشر: یکی از



مواعی که به آن تأکید می‌شود، دوگانگی فکری میان دانشگاهیان و حوزویان است. این دو قشر، مبانی فکری و نظری متفاوتی دارند و باعث شده که دوگانگی به ظاهر ساده، ولی ریشه‌ای را در سطح جامعه به وجود آورند. بیش‌تر مبانی فکری دروس دانشگاهی به‌ویژه رشته‌های علوم انسانی، نشئت گرفته از مبانی فکری غرب است و تدریس این دروس در دانشگاه‌ها، نوع بینش و اصول اساسی تفکرات دانشجویان و استادان را عوض کرده و به شکل‌های گوناگون، در مبانی فکری جامعه نیز جریان یافته و نوعی دوگانگی در جامعه ایجاد نموده است. برای رفع این دوگانگی، نیاز است تا ارتباط مستمر بین دانشگاهیان و حوزویان برقرار شود.

۶. عملیاتی نمودن ایجاد حکومت مهدوی: در ادامه، مدلی برای اجرا و فراهم نمودن شرایط ایجاد حکومت مهدوی در دانشگاه‌ها آورده شده است که این مدل را برای تمام سازمان‌های موجود در کشور برای استقرار حکومت مهدوی می‌توان ترسیم و عملیاتی نمود.



منابع

۱. اسفندیاری، مصطفی، «بررسی مهم‌ترین اختلاف‌های سنی و شیعه در مهدویت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۸ ش.
۲. اکرمی، موسی، «آینده‌شناسی و آینده‌نگری»، نشریه *رهیافت*، ش ۱۶، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، ۱۳۷۶ ش.
۳. الهی‌نژاد، حسین، *اتحاد و همگرایی در پرتو مهدویت و موعودگرایی*، قم، انتشارات آیین احمد، ۱۳۸۷ ش.
۴. پورعزت، علی اصغر، «تصویرپردازی از آینده»، نشریه *سخن سمت*، ش ۱۰، تهران، انتشارات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۲ ش.
۵. جعفریان، رسول، *دین و سیاست در دوره صفوی*، تهران، نشر علم، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
۶. حائری پور، مهدی، «شاخصه‌های جامعه منتظر ظهور»، *مجموعه مقالات پنجمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت*، جلد سوم، قم، انتشارات مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۸ ش.
۷. حرّانی، ابن شعبه، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، تهران، انتشارات مکتبه الاسلامیه، بی‌تا.
۹. حکیم، سیدمنذر و جمعی از نویسندگان، *اعلام الهدایه*، قم، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البيت علیهم‌السلام، ۱۴۲۲ ق.
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی، «علوم انسانی و بایسته‌های آن»، *مجله معارف*، ش ۷۱، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
۱۱. شریف رضی، محمد بن حسین، *نهج‌البلاغه*، ترجمه: محمد دشتی، قم، انتشارات لاهیجی، چاپ دوم، ۱۳۷۹ ش.
۱۲. دلشاد تهرانی، مصطفی، *سیره نبوی (منطق عملی)*، دفتر سوم: «سیره مدیریتی»، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۱۳. شفیعی سروستانی، اسماعیل، *درآمدی بر استراتژی انتظار*، تهران، نشر موعود، ۱۳۸۱ ش.
۱۴. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، *منتخب‌الاثرفی‌الامام‌الثانی‌العشر*، ترجمه: نثار احمد زرین، قم، مؤسسه منتظر، ۱۳۸۳ ش.
۱۵. طاهری، محمدعلی، به نقل از سایت حوزه در سایت راسخون، ۱۳۸۸ ش.
۱۶. غفرانی و تقوی گیلانی، «روش‌شناسی آینده‌شناسی»، نشریه *رهیافت*، ش ۲۲، ۱۳۷۹ ش.



۱۷. _____، «مطالعات و روش شناسی آینده شناسی»، نشریه رهیافت، ش ۲۵، ۱۳۸۰ ش.
۱۸. فروزنده دهکردی، لطف الله؛ جوکار، علی اکبر، مدیریت اسلامی و الگوهای آن، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۶ ش.
۱۹. فیروزآبادی، سیدحسن، «راهبردهای دولت زمینه ساز در توسعه پایدار طوع و رغبت مهدوی»، مجموعه مقالات پنجمین همایش بین المللی مهدویت، جلد دوم، قم، انتشارات مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۸ ش.
۲۰. کارگر، رحیم، جستارهایی در مهدویت، قم، مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۲۱. _____، مهدویت (پیش از ظهور)، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۷ ش.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۲۳. گودرزی، غلامرضا، «اصول و روش های آینده نگری علمی»، طرح تحقیقاتی مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۱ ش.
۲۴. _____، تصمیم گیری استراتژیک (رویکرد موعودگرایی شیعه)، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۲۵. متقی زاده، زینب، جهانی شدن و فرهنگ مهدوی، قم، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی و مرکز تخصصی مهدویت، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ش.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۹۴ ق.
۲۷. محسنی کبیر، ذبیح الله، مهدی علیه السلام آخرین سفیر انقلاب، قم، انتشارات دانشوران، ۱۳۸۰ ش.
۲۸. نیکزاد، عباس، «دفاع از حریم امامت و مهدویت»، مجله رواق اندیشه وابسته به صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ش ۵۰، ۱۳۸۴ ش.
۲۹. نیکزاد لاریجانی، میرسعید، «موانع و مشکلات فراروی مدیریت اسلامی در جامعه ایران و راه های برون رفت از آن»، سایت پایگاه مقالات مدیریت دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۴ ش.

30. <http://zohoor.ir>31. <http://mouood.org>